

تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی های نوین ساخت جهت هویت بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه گرایی

محسن فیضی - استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
مریم اسماعیل دخت* - کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

چکیده

هویت و همسویی طراحی و ساخت معماری با بنیان های فرهنگی و تاریخی از مهمترین موضوعات در حوزه «تبارشناسی تحلیلی» است که در عصر جهانی شدن و گسترش فناوری نیازمند همخوانی بازخوردها و تعاملات «معماری، هویت و تکنولوژی» می باشد؛ چنانچه، امروزه کاربرد معرفت علمی در طراحی معماری و شهر یکی از ابزارهای شهرسازی مدرن است. پیشرفت سریع تکنولوژی و تاثیر آن بر ساخت و ساز شهرها باعث تغییر در شهرها؛ و جبرگرایی و ساده گرایی تکنولوژیکی به عنوان یک رفتار همیشگی غالب گردیده است. از سویی دیگر، عدم هماهنگی و کاربست تکنولوژی در ساخت با هویت معماری و شهر نیازمند بهره گیری از زمینه گرایی در معماری است که در مقاله حاضر مورد اشاره بوده است. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و روش تحلیل استدلال منطقی انجام شده است که از ابزار گردآوری داده مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بهره برده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت، همخوانی و همگونگی با ساختارهای فرهنگی و هویت بیشترین اهمیت را دارد که رویکردهای معماری زمینه گرا می توانند رهیافتهای نظری ارزشمندی در این زمینه باشند؛ چراکه پیچیدگی ساخت و تولید معماری شهری نشان می دهد که تکنولوژی، بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست؛ هرچند که به ساخت معماری و شهر کمک می کند، اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی بالاخص در حوزه فرهنگی و هویتی نیست. بر این اساس، فهم عمومی از علم و استفاده آگاهانه از تکنولوژی در تعامل با هویت هر ملت با تاکید بر زمینه های تاریخی، فرهنگی- اجتماعی و زیست محیطی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکل دهی آینده معماری شهری تاثیر گذار خواهد بود. **واژگان کلیدی:** تکنولوژی ساخت، هویت معماری، معماری زمینه گرایی، پیشنهادات و رویکردهای طراحی زمینه.

Genealogy analytical technology for the identification of new construction buildings architecture with field-oriented approach

Abstract

Identity and neighborhood-based cultural and historical architectural design and construction of the most important topics in the field of Genealogy of analysis in the era of globalization and technological development requires consistent feedback and interaction architecture, style and technology is; If, today, the application of scientific knowledge in the design and architecture of the city is one of the tools of modern urban planning. The rapid advancement of technology and its impact on the construction of cities and towns can change the orientation of technological determinism and simple as a habitual behavior has been dominant. Lack of coordination requires the use of technology in the fields of architecture and identity oriented architecture that has been mentioned in this article. This study was conducted analytical and logical reasoning Analysis of Data and Documents library studies benefited. The results of this study suggest that the use of modern technologies in construction, infrastructure compatibility and similarity of culture and identity is of utmost importance. Because the complexity of manufacture and urban architecture shows that technology is the foundation and basis for the structure of the city; Although it helps to build the architecture and the city, but only to provide adequate facilities and various and diverse needs of not culture and identity. Public understanding of science and intelligent use of technology in dealing with identity, with emphasis on the historical background, cultural, social and environmental impact will be on understanding and explaining urban phenomenon.

Keywords: technology, architectural identity, context-oriented architecture, design proposals and approaches to the field.

مقدمه

بر مبنای مطالعات انجام شده ایران در تولید صنعتی و فناوریانه از جایگاه پایینی برخوردار است و دلایل پایین بودن پایگاه فناوریانه بودن اغلب با رویکردهای فنی و اقتصادی بررسی می گردد و تاکنون کمتر از حیث فرهنگی و هویتی بررسی شده است (قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). در عین حال، مجموعه تکنولوژی سیر تاریخی دارد و این روند از زمانی که انسان از چوب و استخوان به عنوان دست افزار استفاده می کرد، آغاز شده و تاکنون با ایجاد بمبهای نوترونی، فضای الکترونیکی و هوش مجازی سیر تحولات خود را طی کرده است. همچنین «فلاسفه عموماً درباره تأثیر تکنولوژی بر فرهنگ و دیدگاه های مردم درباره جهان و نحوه گذران زندگی صحبت کرده اند. آنان این تأثیرها را بررسی کرده و نشان داده اند که تکنولوژی که به ظاهر ابزاری بیش برای پیشبرد اهدافمان نیست به تدریج روشها و دیدگاه های خاصی را به کاربران خود تحمیل کرده و از این رو زندگی آنان را متحول می سازد» (ناجی، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۴). از اوایل قرن ۱۷ میلادی، نگاه نوپای در جهان شکل گرفت که منجر به پیدایش عالمی شد که به آن «عالم تکنیک یا صنعت» می گوئیم که سرآغاز دوران جدید و مبدأ انقلاب تکنولوژیک مدرن شد که متفاوت از عالم دست افزارهای صنعتی کهن است (قانعی راد، ۱۳۸۸). این جهان نو به دست بشری ساخته شد که یک نسبت خاصی با هستی و جهان و خودش پیدا کرده بود. حضور تکنولوژی در عرصه های مختلف از شکل گیری تفکر اولیه، فرآیند تکامل تفکر، فرآیند طراحی و ساخت تا بهره برداری از اثر به اشکال مختلفی می باشد و با این حضور تأثیرات مختلفی را بر معماری می گذارد. امروزه نگاه به تکنولوژی در معماری ایران تنها از زاویه کمی و فیزیکی می باشد و معمولاً از ابعاد غیرفیزیکی آن (منجمله ارتباط با آن با هویت و فرهنگ) غفلت می گردد. تکنولوژی را برخی، ابزار صرف پنداشته که خنثی و بی اثر می باشد و تأثیری

را از جانب آن بر آثار و محیط پیرامونی آن متصور می باشند (ر. ک: وفامهر، ۱۳۹۲؛ وفامهر، ۱۳۹۱؛ رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵). این در حالی است که از طرفی تفکر تکنولوژیکی انسان معاصر که برآمده از تغییرات صورت گرفته در عرصه های نظری و عملی بعد از انقلاب صنعتی می باشد، تمام حوزه های زندگی انسان معاصر را تحت تأثیر خود قرار داده و دگرگون ساخته است؛ و از طرف دیگر، همانگونه که در روانشناسی محیطی به اثبات رسیده است کلیه عناصر محیطی و پیرامونی روی انسان تأثیر می گذارند؛ لذا حضور فرآیند و آثار تکنولوژیکی در محیط نیز بی تأثیر بر انسان و هویت نمی باشد. در عین حال، معماری که آمده از تفکرات، آرمانها و نیازهای انسان می باشد، در صورت تغییر در بینش، ارزش و نیازهای انسان دگرگون می گردد که این دگرگونی را در طول حیات آدمی بسیار می توان دید. اما آیا این دگرگونی ها همواره تکاملی و مثبت بوده است؟ بالاخص اگر مبانی فکری و نظری متضاد با مبانی معماری موجود در آن بکار گرفته شود نتیجه دگرگونی ها چه خواهد بود؟ آیا تکنولوژی مدرن در مقایسه با تکنولوژی سنتی ملتزم به هویت و ارزشهای فرهنگی و زیرساختهای ماهوی دارای چنین موقعیتی است؟ (گلن، ۱۳۸۸). آیا این دو تکنولوژی بر مبانی متفاوتی استوار بوده و ارزشهای مختلفی را با خود منتقل می نمایند؟ با توجه به نقش بسیار مهم تکنولوژی در معماری، آیا نوع و چگونگی به کارگیری آن بر محتوا و هویت آثار معماری تأثیر می گذارد؟ آیا ارزش های معماری تحت تأثیر تکنولوژی بوده و نوع و چگونگی به کارگیری تکنولوژی بر آنها تأثیر می گذارند؟ تکنولوژی مدرن در عرصه های مختلف معماری معاصر ایران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحی و ساخت و در نهایت در اثر نهایی حضور جدی دارد و آثار خود را در فضاها و اشکال معماری معاصر نمایان ساخته، اما از تأثیرات آن غفلت شده و بدان به مثابه ابزاری خنثی و بی اثر نگریده شده و این درحالی است که اثر تفکر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۱۷۴

تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه آموزش معماری نیز آشکار است (گلاچی و شاهرودی، ۱۳۸۹؛ به نقل از پایگاه تبیان). لذا مباحثی که پیرامون تکنولوژی و سازه مناسب در برخی از آثار، بالاخص در معماری معاصر غرب مطرح می‌گردد، دلیلی بر پذیرش مبانی نظری آن نبوده بلکه تأکیدی بر چگونگی هم‌آوایی تکنولوژی و سازه با معماری در راستای مبانی مورد نظرشان می‌باشد و هدف، یافتن شیوه دست یافتن به چنین مقصودی می‌باشد. در این دیدگاه معماری عنصری هویت‌ساز برای انسانی هویت‌پرداز، تصور می‌شود که می‌بایست به غنای فرهنگ امروز اجتماع بیفزاید و به مثابه وجودی در برابر خویش، فرهنگ‌سازی نماید.

با ضرورت‌های گفته شده و در این مقاله این مقوله مورد نظر قرار گرفته است؛ چراکه مفهوم یابی هویت در معماری، مذاقه در برون رفت از بی‌هویتی معماری را به عنوان عنصری که خود بایستی فرهنگ‌سازی کند، را دوچندان می‌کند، به همین دلیل است که معماری خود نمایان‌کننده فرهنگ جامعه بشمار می‌رود و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بناهای معماری باید در طراحی و بکارگیری تکنولوژی‌های معماری مورد توجه باشد که در ادامه در این مقاله مورد اشاره قرار می‌گیرد. در مقاله حاضر به موضوع هویت در معماری و جایگاه معماری زمینه‌گرا در کاربست تکنولوژی معماری پرداخته می‌شود و ماهیت هویت بخشی به معماری همگام با بهره‌گیری از تکنولوژی معماری مورد اشاره بوده است.

مواد و روشها

از آنجا که رویکرد مقاله حاضر «رویکردی تبیینی» و «غیراکتشافی» است، و پژوهش حاضر ماهیت نظری دارد؛ لذا روش تحقیق مقاله حاضر «روش اسنادی» و «روش توصیفی» است که از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک موجود در سایتهای درگاه‌های اینترنتی و مطالعات نظری در این رابطه بهره‌برده است. همچنین از «روش فراتحلیل» در جمع‌بندی مطالعات و مبانی نظری و «روش تحلیلی»

در تحلیل دیدگاه‌ها و افکار، پیرامون برهمکنش ارتباط «تکنولوژی، معماری و هویت»، استفاده شده است. روش فراتحلیل با جمع‌بندی مبانی نظری و تحقیقات انجام شده درباره ماهیت تحقیق، ابعاد مرتبط با موضوع را مورد ارزیابی قرار داده و لذا در این مقاله به ارتباط فی مابین هویت، تکنولوژی و زمینه‌های اجتماعی پرداخته شده است.

مبانی نظری

مفهوم تکنولوژی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون و با رویکردهای مختلف مورد توجه قرار داد. توجه به جنبه‌های مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی و سیاسی تکنولوژی روز به روز پرنگتر و پردامنه‌تر می‌شود. امروزه رویکردهای فلسفی به تکنولوژی اهمیت بالایی یافته است (اسدی و موسوی مهر، ۱۳۸۹، ص ۷۰)؛ چنانچه اولین فیلسوفانی که «فلسفه تکنولوژی» را مطرح کردند و یا به نحوی زمینه‌ساز این تفکر شدند، فیلسوفان مدرن هستند که زمینه‌هایش توسط «فرانسیس بیکن»، «گالیله» و دیگر متفکران دوره رنسانس ایجاد شده بود. انقلاب صنعتی، انقلاب نبود که به قرن خاصی منتهی شود، این انقلاب زمینه‌ساز انقلاب‌های مدرن در قرن‌های حاضر شد که از آن جمله می‌توان به «انقلاب فناوری اطلاعات» به عنوان علم و تکنولوژی روز دنیا اشاره کرد که در آینده می‌توان انقلاب‌های بزرگی مانند «انقلاب ژنتیک»، «تکنولوژی پلاسما»، «انقلاب الکترونیکی هوش‌های مصنوعی» و «عصر مجازی» را، که همگی زاینده اندیشه‌ای است که موتورهای آتشین (انقلاب صنعتی نخستین) را به پیدایی آورد، نظاره‌گر شد. این انقلابها بی‌تردید به زودی جهان را زیر رو خواهد کرد. حتی می‌توان گفت که نوع روابط انسانی نیز چنان که «کویین کلی» و «مانوئل کاستلز» و دیگر فن‌شناسان معاصر دگرگون خواهد شد.

تکنولوژی ریشه یونانی دارد و از دو واژه Techné و Logic تشکیل شده است. «تخنه» به معنای هنر،

مهارت و آن چیزی است که آفریده دست انسان است و در مقابل Arche به معنای آفریده خدا است. «لوژی» در یونان قدیم به معنی دانش و خرد به کار رفته است. به این ترتیب می‌توان گفت که تکنولوژی به معنای آمیزه هنر و مهارت با دانش است. می‌توان گفت که انسان خردمند در تعامل با طبیعت به قوانین عام آن دست می‌یابد و با بازآفرینی این قوانین توسط علم و دانش در محیط و شرایط دلخواه کاربردهای مورد نظر خود را ایجاد می‌نماید (محمودنژاد، ۱۳۸۰؛ بنقل از ویکی‌پدیای فارسی: دانشنامه آزاد، برداشت: ۱۳۹۳). «ارنست کاپ» در کتاب «فلسفه تکنولوژی» در سال ۱۸۷۷ احتمالاً اولین کسی بود که ارتباط بین نارسایی‌های اندامی انسان و هوش مبدع و نوآور او را متذکر شد. کمی بعد از آن فیلسوف زبان، «لودویگ نویره» در کتاب «ابزار» در سال ۱۸۸۰ نوشت: «آنگاه انسان از طبیعت آزاد شد زیرا او خالق خود گردید، اعضای خود را آفرید، یک ابزارساز شد، یک حیوان ابزارساز.» (گلن، آرتور، ۱۳۸۸). کلمه «تکنیک» در اصل فرانسوی و به معنی فن، صنعت، علم، هنر و حرفه است؛ همین‌طور به فن‌شناسی، علم فن و صنعت، تکنولوژی گفته می‌شود. در عین حال نظرات متفاوتی بر محدودۀ مفهوم تکنولوژی وجود دارد؛ از جمله تعریفی که علم را درون تکنولوژی جای می‌دهد «کاربرد دانش علمی و دانش: منظم دیگر برای امور عملی بوسیله سیستم‌های منظمی که شامل مردم، سازمانها، اشیاء زنده و ماشینها می‌شود» (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). یکی از پیامدهای پیشرفت تکنولوژی یکسان و یکنواخت شدن معماری در نقاط مختلف کشور است. درحالی که پیش از این شکل ساختمانها، بافت محله‌ها و ساختار شهر گویای ویژگی‌های فرهنگی و ذوقهای بومی ساکنان آنها بود؛... زیرا سیستم تکنولوژی

طوری تعریف شده است که در برابر خصیصه‌های فرهنگی و محلی حساسیت چندانی نداشته باشد (جعفری و مهدوی پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲). از سویی دیگر، بر اساس نظرات «پل آلبرگ» در کتاب «معمای انسان» در سال ۱۹۲۲، «خوزه ارتگای گاست» در کتاب «انسان، موجود ناکجا آبادی» در سال ۱۹۵۱ باید گفت که تکنولوژی ناشی از کاستی‌های اندامی انسان است که به توصیف این امر پرداخته است که انسان در هر محیط طبیعی ناقص، به موجب فقدان اندام‌ها و گزینه‌های مناسب، چگونه قادر نیست به موجودیت خود ادامه دهد و در نتیجه چگونه باید برای بقای طبیعی خود با تعبیر هوشمندانه در شرایط پیرامون خود تغییراتی به وجود آورد. کاربرد اسلحه و جنگ افزار، آتش و فنون شکار به این ترتیب مربوط است به نمونه‌های رفتاری طراحی شده برای حفظ نوع انسان؛ به طوری که واژه تکنولوژی باید دلالت کند بر ابزارهای واقعی و مهارت‌های مورد نیاز برای آفرینش و کاربرد اموری که برای این موجود دارای فقر گزینه و ناقص امکان حفظ خویشتن را فراهم کند (گلن، ۱۳۸۸). دو گروه عمده از اندیشمندان علوم اجتماعی، سعی کرده‌اند در پاسخ به سؤالات مذکور و همچنین تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی که متأثر از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است، به تبیین آنها پرداخته و تئوری فراگیری را در این زمینه ارائه کنند. گروهی عصر جدید را سرآغاز کنترل‌های بی‌رحمانه شهروندان معرفی می‌کنند و در عین حال که به هیچ‌وجه اهمیت کلیدی اطلاعات را در دنیای جدید انکار نمی‌کنند و حتی از پذیرش جامعه اطلاعاتی برای عصر رسانه‌های ارتباطی جدید بیمی به خود راه نمی‌دهند، اما بر استمرار مناسبات حاکم بر جامعه و ثبات آن از گذشته تاکنون اصرار می‌ورزند. نظریه پردازان این

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده‌ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷. و همچنین می‌توانید رجوع کنید به: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه‌های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

گروه عبارتند از:

۱. «مارکسیست‌های نو»: هربرت شیلر؛

۲. «نظریه مقررات‌گذاری» (Regulation theory):

مایکل آگلینا و آلن لیپیتز؛

۳. «نظریه انباشت انعطاف‌پذیر» (Flexible Accumulation): دیوید هاروی؛

۴. «نظریه دولت-ملت و خشونت»: آنتونی

گیدنز؛

۵. «نظریه عرصه عمومی»: یورگن هابرماس

(همان، ۱۳۸۸).

علی‌رغم ناگزیری انسان معاصر از رویارویی با مظاهر

تکنولوژیک در زندگی، امکان رعایت حد و مرزها و یا

غرقه شدن در این مظاهر، که همان گم شدن هدف

و جابجایی مقصد با مقصود است وجود دارد؛ لیکن در

شکل مطلوب و دست‌یافتنی، مکمل بودن ایده‌های

والا و ابزار تکنولوژیک تسریع و تسهیل‌کننده در

هنرها را داریم (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

از سویی دیگر، گروه دیگر نظریه پردازان، عصر حاضر

را طلیعه جامعه‌ای سرشار از تخصص و مراقبت

مطلوب از همه چیز در تعامل با تکنولوژی می‌دانند

و مدعی‌اند نوع جدیدی از جامعه ظهور کرده است

که با گذشته کاملاً متفاوت است. از نظر این

گروه، در این جامعه حاکمیت اصلی با رسانه‌های

الکترونیک است. نظریه و نظریه‌پردازان عمده این

گروه عبارتند از:

۱. «نظریه فراصنعتی»، دانیل بل و پیروان او؛

۲. «نظریه پست‌مدرنیسم»، ژان بو دریار، مارک

پاستر؛

۳. «تخصصی‌سازی انعطاف‌پذیر»، میشل پیور،

چارلز سیبل؛

۴. «نظریه شیوه اطلاعاتی توسعه» (Information

mode of Development)، مانویل کستلز.

پس تکنولوژی نتیجه گرایش و تمایل همیشگی

انسان به قدرتمندانه‌ترین شکل از رفع نیازهای

زیستی‌اش بوده که با سیر تاریخ، توسعه یافته و

تمامی وجوه زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. در

عین حال کمیت در جوامع انسانی، نیاز روز افزونی

را به گسترش تکنولوژی در پی می‌آورد (رهبرنیا و

رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). در هر حال، امروزه سه

تعریف مطرح تکنولوژی وجود دارد که عبارت از:

«تکنولوژی به عنوان سخت افزار، تکنولوژی به

عنوان نرم افزار و تکنولوژی به عنوان نهاد» هستند

(گلن، آرتور، ۱۳۸۸، ص ۵۶):

۱. «معماری و تکنولوژی به عنوان سخت افزار»:

عینی‌ترین تعریف برای تکنولوژی تعریف آن بر

حسب سخت افزار یا ابزارها و ماشینهاست. در این

منظومه، نیروگاه‌های برق، رایانه‌ها و کارخانه‌ها به

عنوان تکنولوژی‌ها لقب می‌گیرند. این تعریف از

تکنولوژی عینی‌ترین، صریح‌ترین و انضمامی‌ترین

تعریف تکنولوژی است. این تعریف با وجود وضوح و

صراحت بدون عیب و ایراد نیست و یکی از ایرادهای

آن این است که برخی از تکنولوژی‌هایی را که نه

ابزار و نه ماشین هیچ کدام نیستند در بر نمی‌گیرد.

یک نمونه از تکنولوژی غیرسخت افزاری تکنولوژی

رفتاری «اسکینر» است که وی بسیار بر آن تأکید

داشت، ولی نمی‌توان آن را به عنوان سخت افزار

مدنظر قرار داد.

۲. «معماری و تکنولوژی به عنوان نرم افزار»:

«ایلول» فیلسوف معروف تکنولوژی با تقابلی که

میان سخت افزار و نرم افزار وجود دارد، تعریفی

نرم‌افزارانه از تکنولوژی ارائه کرد و آن را امتزاجی

از ابزارها و نسبتها مدنظر قرار داد. حتی «ماکس

ویر» هم با ارائه مفهوم عقلانی‌سازی مانند ایلول

ظهور غرب را بر حسب نظامی نرم افزاری توجیه

کرد. در این نظام البته ابزارها و ماشین‌ها نقشی

محوری را دارا نیستند و نظامی که مبتنی بر قواعد

هدف - وسیله است، هدایت منظومه را بر عهده

دارد. بدین گونه بود که تکنولوژی به مثابه نرم افزار

و قواعد مطرح گشت. این دیدگاه نرم‌افزارانه از

تکنولوژی، از آن جهت قابل توجیه است که سخت

افزار همیشه در ارتباط با کاربرد انسانی و فهم وی

تکنولوژی نام یرد و نمونه‌های فراوانی از وجود

سخت افزار را در جوامع گوناگون شاهد بودیم، بدون آنکه این سخت افزارها نظامی تکنولوژیک را به وجود آورند. در این نگاه فکر و ایده و اندیشه‌ای که پشت سر ابزارهای تکنولوژیک قرار دارند، تکنولوژی نام می‌گیرد. تکنولوژی به عنوان نهاد: این موارد برخی از متفکران و فیلسوفان تکنولوژی را بر آن داشت که به دنبال تعاریف دیگری از تکنولوژی برآیند. برخی تکنولوژی را مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی دانستند. تعریفی که در این باب ارائه شده است این است که تکنولوژی کاربرد دانش علمی یا دانشها دیگر برای نقش‌های عملی از طریق نهادها و نظام‌های هدف‌مندی است که با انسانها و نهادها و ماشینها در ارتباط است. این تعریف که بسیاری آن را می‌پذیرند گاهی رویکرد نهادهای تکنولوژیک به تکنولوژی لقب می‌گیرد. نهاد تکنولوژیک مجموعه‌ای است از سخت افزار، دانش، مخترعان، اپراتورها و افراد تعمیرکار، مشتریان، بازارها، آگهی‌دهنده‌ها و نمایندگان دولتی که همه در امر تکنولوژی دخالت دارند. رویکرد نظام تکنولوژیک از همه تعاریفی که تاکنون در این مقال از تکنولوژی ارائه شده‌اند و در فلسفه تکنولوژی مطرح هستند مسلط تر است، زیرا این رویکرد سعی می‌کند، اجزای مختلف تکنولوژی را در نظر بگیرد (گلن، ۱۳۸۸).

در زمینه ظهور و گسترش تکنولوژی مدرن چند نکته اساسی وجود دارد که سبب ظهور فلسفه تکنولوژی شد (عبدالکریمی، ۱۳۸۷):

۱- غالباً این تلقی غلط وجود داشته و دارد که «انقلاب صنعتی»، «انقلاب در صنعت» بود و ظهور تکنولوژی جدید به منزله اختراع و کاربرد پاره‌یی از ابزارها و وسایل جدید در امر تولید، بهره‌برداری از طبیعت، حمل و نقل، ارتباطات بوده است اما برخی از متفکران غربی، همزمان با ظهور انقلاب صنعتی دریافته‌اند این انقلاب صرف انقلاب در صنعت نبود و چنین نبود که با ساخته شدن دیگ‌های بخار صرفاً ابزار یا ابزارهایی جدید به ابزارهای گذشته افزوده شود بلکه انقلاب صنعتی انقلاب در همه چیز بود

و ظهور تکنولوژی جدید سبب تحولات بنیادین در همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی، فرهنگی شد؛ تا آنجا که صورت‌بندی اجتماعی و تاریخی را ابتدا در جوامع غربی و سپس در کل جهان تغییر داد و هیچ حوزه‌یی از حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی، از جمله روابط خانوادگی، جنسی یا اخلاقی نبود که تحت تاثیر و سیطره تکنولوژی قرار نگرفته باشد. به بیان دیگر، با انقلاب صنعتی و تکنولوژی مدرن «عالمیت عالم» تغییر کرد، کره زمین برای نخستین بار رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و یک دوره تاریخی جدیدی در حیات بشر آغاز شد. تامل و تفکر در باب این دوره جدید تاریخی و این تحول در «عالمیت عالم»، امری فنی و تکنیکی و در حوزه فعالیت مهندسان، صنعتگران، سرمایه‌داران، مدیران دولتی یا اصحاب قدرت سیاسی نبوده بلکه محل‌امعان نظر بسیاری از فیلسوفان و متفکران و در حوزه خاصی به نام فلسفه تکنولوژی بوده و هست. این متفکران و فیلسوفان هستند که می‌توانند با تاملاتی نظری و فلسفی به ما بگویند با ظهور تکنولوژی جدید چه تحولاتی در نحوه نگرش ما به جهان، معنای جهان و معنای خود انسان و زندگی و نسبت آدمی با هستی صورت پذیرفته است و فرهنگ و تمدن از تکنولوژی مدرن چه تاثیرات ژرف وجودشناختی و انسان‌شناختی پذیرفته است. تاثیراتی که در هیچ یک از تمدن‌های پیشین مشاهده نمی‌شود.

۲- نکته دیگر اینکه علم و تکنولوژی جدید، در کنار و پایه‌پای ظهور جهان بینی عصر «روشنگری» شکل گرفته است. در دوران ما علم و تکنولوژی جدید همواره از بدو تولد، مهم‌ترین ابزارهای تحقق آرمان‌های عصر روشنگری تلقی شده و می‌شود. آزادی انسان از هرگونه اسارت و سعادت این جهانی وی روی کره خاک از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آرمان‌های عصر روشنگری بوده است. به تعبیر ساده‌تر، قرار بود علم و تکنولوژی مدرن بشر را به سعادت و آزادی برساند اما حال این پرسش به نحو بسیار

جدی وجود دارد که آیا علم و تکنولوژی جدید به راستی توانست آزادی و سعادت راستین را برای آدمی محقق سازد یا خود به ابزاری برای ظهور اشکال جدیدی از اسارت و سلطه بر آدمی و ظهور دردها و رنج های تازه یی برای وی منتهی شده است (همو، همان، ۱۳۸۷).

۳- نکته آخر در ارتباط با ظهور حوزه یی از تاملات تحت عنوان فلسفه تکنولوژی این است که این با «مارتین هایدگر» متفکر بزرگ آلمانی در قرن بیستم است که برای نخستین بار پرسش از «چیستی و سرشت تکنولوژی» جدید مطرح می شود و بدین ترتیب، تکنولوژی به نحو صریح و آشکاری به منزله موضوع و متعلق تفکر فلسفی قرار می گیرد و آشکارا سخن از «فلسفه تکنولوژی» به میان می آید. قبل از هایدگر هیچ کس صراحتاً از فلسفه تکنولوژی و پرسش از سرشت و ماهیت تکنولوژی سخن به میان نیاورده بود اما ضمن به رسمیت شناختن مقام هایدگر و نقش پیشتاز آن در قوام یافتن شاخه یی مطالعاتی با عنوان فلسفه تکنولوژی، همچنین باید به این نکته توجه داشت که از همان آغاز ظهور عقلانیت مدرن توسط متفکرانی چون گالیله، دکارت و نیوتن، یعنی ظهور عقلانیتی که طبیعت را به امور محسوس و ماده و حرکت محدود کرده، وجه کمی و محاسبه پذیر اشیا و پدیدارها به منزله مهم ترین وصف آنان تلقی شد و از همان آغاز ظهور علم و تکنولوژی مدرن که بر اساس عقلانیت جدید

شکل گرفت، همه متفکران بزرگ غربی، سلباً یا ایجاباً علم، تکنولوژی و تفکر علمی و تکنولوژیک را مورد تامل قرار داده اند. آنان چارچوب تفکر علمی و تکنولوژیک را یا به منزله اصیل ترین صورت تفکر پذیرفته اند و الگوهای علمی و تکنولوژیک را به مثابه صحیح ترین الگوی معرفت و دانش تلقی کرده اند یا آنکه کوشیده اند به نقد علم و تفکر تکنولوژیک جدید پرداخته، محدودیت ها و نقصان های آن را نشان دهند (همان، ۱۳۸۷).

در همه متفکران بزرگ غربی در دوره جدید، می توان از نوعی فلسفه علم و فلسفه تکنولوژی ضمنی سخن گفت. هرچند که آنان صراحتاً و آشکارا از فلسفه علم یا فلسفه تکنولوژی سخن نگفته باشند. برای نمونه در مقاومت رمانتیست هایی چون «گوته»، «نوالیس»، «ریلکه» یا «هولدرلین» در برابر تکنولوژی جدید، در انتقادات «مارکس» از سرمایه داری، در نقدهای «کی یرکه گور» از تفکر علمی و اپژکتیو، در نقدهای «نیچه»، «هوسرل» یا ویتگنشتاین: از فرهنگ و تمدن مدرن می توان خطوطی از نوعی فلسفه تکنولوژی را ردیابی کرد اما این در تفکر هایدگر و در آثار برخی از متفکران بعد از او، به خصوص در «مکتب فرانکفورت» و در اندیشه های متفکرانی چون «والتر بنیامین»، «تئودور آدورنو»، «هور کهایمر»، «مار کوزه»، «هابرماس» که جملگی نیز تحت تاثیر هایدگر بوده اند، است که فلسفه تکنولوژی و اندیشیدن در باب تکنولوژی جدید

جدول ۱. نگرشها در شکل گیری هویت فردی در ارتباط با جهان خارج؛ ماخذ: پورجعفر، ۱۳۹۱، ص ۸۲.

شکل گیری شخصیت و هویت فردی		
دیدگاه ها	نظریه پردازان	نوع نگرش
هویت محصول جنبه های درونی - غریزی	فروید، یونگ، ماری	سوژه شکل دهنده به ابژه
هویت محصول محیط مادی و اجتماعی	اریک فروم، سولویان	ابژه شکل دهنده به سوژه
تعادل میان محیط درون و بیرون	آدلر، هورتای، مورفی	توازن سوژه و ابژه

صراحت بیشتری یافته، بخشی از آثار آنان را به خود اختصاص می دهد^۱. در این باب توجه به مفهوم هویت فردی در تقابل با جهان خارج از آن جهت مهم است که تکنولوژی به مثابه عنصری برون دادی تاثیراتی شگرف بر شکلگیری شخصیت فردی و در نهایت بر آثار مصنوع بشری و منجمله معماری دارد؛ چنانچه در تحقیقات مختلف هویت به مثابه هویت درونی - غریزی و محیطی - مادی و تعامل درون و بیرون مورد توجه بوده است (جدول شماره ۱).

تکنولوژی و فلسفه

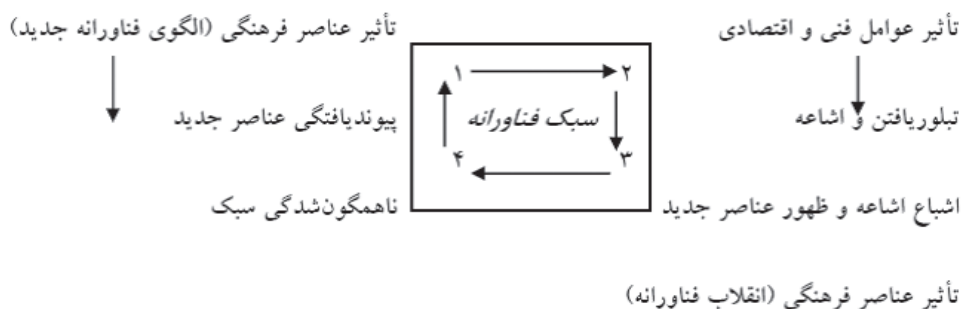
خاستگاه اولیه بحث به کتاب «هستی و زمان» بر می گردد که هایدگر در این کتاب تحلیلی از نقش و جایگاه وسیله در زندگی انسان و ارتباطی که انسان با آن برقرار می کند، ارائه می دهد. هایدگر در مقاله ای که پس از جنگ جهانی دوم می نویسد و به «پرسش از فناوری» معروف است، این تفکر را پی می گیرد. او فناوری را بر علم مقدم می داند و معتقد است تفکر جهان مدرن گونه ای تفکر فناوری است که جهان را به عنوان متبع انرژی و وسیله ای برای استفاده در نظر میگیرد (محمودی نژاد، ۱۳۸۹؛ ر. ک: پدیدارشناسی مکان، پیوست دوم). علم نیز به عنوان ابزاری برای این فناوری و اهداف آن وارد صحنه شده است^۲. مدعای هایدگر این است که فناوری به صورت بی رحمانه ای گوی سبقت را از ما برده است. ما در تغییر کل این جهان به کار

گمارده شده ایم تا محصولات خام را به فرآیندهای تکنیکی مبدل سازیم. به تعبیر دیگر هایدگر هر چند خاستگاه تفکر تکنیکی را به یونان باستان می برد هنوز میان «تخنه و صنعت یونان» با «فناوری جدید» تمایزی آشکار می بیند. در جهان جدید این انسان نیست، بلکه ابزارگرایی است که این عمل را صورت می دهد. این کار صرفاً قصدی انسانی نیست بلکه راهی ویژه است که در آن وجود خودش را از طریق قصد انسانی ظاهر و مخفی می سازد. از این سخن گونه ای «دترمینیسم تکنولوژیک» هم استنباط می شود؛ چراکه تقدیر بر این قرار گرفته که وجود در جهان جدید به شیوه ای خاص بروز داشته باشد. شکی نیست که هایدگر در این مدعا که فناوری مدرن بیشتر از فناوری سنتی مخرب است بر حق است.

«هانس فریر» در کتاب «سلطه مقولات فنی بر زیست جهان جامعه صنعتی» بر این باور است که تکنولوژی عصر صنعتی مناسب توصیف کل تکنولوژی قبل از قرن هجدهم نیست؛ یعنی اینکه مصنوعات انسانی، مناسب وسایل و ابزارهایی باشد که بتواند اهداف و غایات زندگی او را به تحقق رساند و آنگاه آنها را اصلاح کند تا جایی که در خدمت اغراض او قرار گیرند. معنی تکنولوژی، مطابق این دستور عبارت است از به خدمت گرفتن آن، برای دستاوردهای موفقیت آمیز در آنچه انسان می خواهد

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟، روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱. و ر. ک: اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول. و ر. ک: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

۲. به عنوان مثال، اگر افزار نوشتن را مصداق این امر بگیریم، به نحوی روشن تر می توانیم هم نقش مثبتی را ببینیم که اشیاء تکنولوژیک می توانند ایفا کنند و هم خطر خاصی که این اشیاء پیش می نهند و «بورگمان» حساسیت ما را نسبت به آن برانگیخته است. اسلوب افزارهای نوشتن نیز هم چون «پل ها و معماری و بناهای ساخته شده شهری» جای آنها را در تاریخ هستی باز می تاباند. خودنویس از ما می طلبد که برای کسی بنویسیم که شخصیت دست خط ما برای او علی السویه نیست. به هنگام درگیری با کاربست هایی که خودنویس را مهم می نمایند، موضوعاتی که برای ما اهمیت دارند چیزهایی هستند از قبیل برنامه های زندگی، هویت های ثابت، شخصیت، جهان بینی و مانند آنها. ما سوژه هایی هستیم که با سوژه های دیگر سر و کار داریم. لیکن اگر ما صرفاً برای انتقال اطلاعات درصدد ثبت امور تجاری یا نوشتن گزارش امور واقع باشیم، ماشین تحریر بهتر به کارمان می خورد. واژه پردازی که با انعطاف بسیار به شبکه وصل است، از ما می طلبد که برای فرآوری مقالات تحقیقی فنی یا دانشگاهی ای که وارد شبکه ای از مراودات و گفت وگوها خواهد شد از میان شمار عظیمی از گزینه ها انتخاب کنیم. شما به هنگام کاربرد واژه پرداز رایانه ای از احساس این موفقیت گریزی ندارید که دیگر لازم نیست از بابت چیزهایی چون پاک کردن، دوباره تایپ کردن و در واقع بریدن و چسباندن ها برای نقل و انتقال متن و بست کردن محصول نهایی نگران باشید. اما همان طور که بورگمان اشاره کرده است ابزار خنثی نیست؛ ابزار پر امکاناتی که خود را بر ما آشکار، می کند اثر می گذارد. اگر کسی واژه پردازی مدرن داشته باشد، متن برای او دیگر اثری نمی نماید که کسی باید بدو آن را تمام کند و سپس منتشر شود. متن از خلال پیش نویس های بسیاری که هیچ کدامشان نهایی نیستند، رو به کمال می رود. آنجا که اشخاص زیادی در روایات متفاوت و گوناگون - روایت هایی از آنچه پیش ترها می توانست متن تکنیکه ای نامیده شود - ادای سهم می کنند می توان گفت که متن های در گردش - Circulating Texts - در شبکه، ما حاصل فروپاشی ابژه مکتوم - Finished object - هستند. با چنین مشارکت های چندگانه ای، نه تنها صورت مادی کاری پراکنده می شود بلکه خود مؤلف نیز مشمول این پراکنش - Dispersion - می شود. این پراکنشی که در کار مؤلف و نویسنده ایجاد می شود، خود بخشی از پراکنشی عام تر و کلی تر است که «شری تورکل» توصیفش می کند: پراکنش هویت و این همانی.



نمودار ۱. تأثیر عناصر فرهنگی بر تکوین و تحول سبک فناورانه؛ ماخذ: قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

یا اراده می‌کند. این معنی، به حالت و مرحله‌ای از رشد تکنولوژی اطلاق شده است که در مقایسه با زمان حال، امری ابتدایی بود. در عوض فریر می‌گوید تکنولوژی امروزه نوعی توانایی و قدرت انتزاعی آفریده است و در همین روزگار اخیر است که پرسش از آنچه انسان می‌خواهد با وسایل موجود انجام دهد، مطرح شده است. این اندیشه بی‌تردید اولاً و قبل

از هر چیز، به افزایش قیاس ناپذیر فوق‌الذکر در تولید بالقوه نیرو - انرژی - اطلاق می‌شود. تحت چنین شرایطی، چنانکه فریر استدلال کرده است، روح فنی، امری مطلق می‌شود و دیگر در خدمت اهداف و غایات نیست (گلن، ۱۳۸۸). «اشمیت» تعیین یافتگی کار انسان را با «وسایل تکنیکی» به عنوان فرآیندی می‌بیند که در اعصار گذشته آغاز شده، اما در زمان ما بسط یافته است. این فرآیند از سه مرحله می‌گذرد:

۱- اول فرآیند ابزاری، که در آن، قدرت فیزیکی ضروری از کار انسان به دست می‌آید؛ در حالی که مستلزم دخالت عقلانی انسان است. تمایزات اشاره شده بین انواع گوناگون طرح‌های اندامی، متعلق به این مرحله است.^۱

۲- مرحله دوم به نظر اشمیت مربوط به کار و قدرت ماشین است که فعالیت آن، تعیین یافتگی‌های

۱. طبق گفته «ادموند مانیر» فیلسوف فرانسوی که تکنولوژی‌های به وجود آمده بعد از جنگ جهانی دوم را تحلیل کرده بود: «ظاهراً در مورد زبان (زبان زمینه‌گرایی معماری و بنیان‌های تکنولوژی ساخت در این مرحله تعمیم پذیر است)، ما از دید تکنولوژی غافل بودیم و به نظر می‌رسد که از امروز، روز به روز از توان تکنولوژی نهفته در زبان بیشتر استفاده می‌شود.» اما نکته بعد اینکه مسئله‌ای که در فلسفه علم مطرح می‌شود، این است که ما نسبت نظریه و مشاهده را چگونه ترسیم کنیم و از دیدگاه‌های مختلف چگونه می‌شود به آن نگریست؛ اما آن جنبه تجربی یا پوزیتیویستی قضیه که معطوف به مشاهده بود، این مسئله را مطرح می‌کرد که ما چگونه می‌توانیم این مفاهیم علمی را بسازیم و نظریه‌های علمی را بیان کنیم. طبعاً نظریه غالب این بود که ما می‌توانیم پله پله از مشاهداتمان حرکت کنیم تا به سطح نظریه برسیم و در قالب نظریه، قوانین نظری را بیان کنیم. در هر صورت چیزی که اهمیت داشت این بود که به نوعی از مشاهده‌ها به نظریه‌ها می‌رسیم.

نگاه مثبت داشته و از آن استقبال می‌کند، ولی دموکراسی را رد می‌کند و ۴- چهارم «رفورمیسم» است که به تکنولوژی اعتنا نمی‌کند، ولی به دموکراسی خیلی زیاد اهمیت می‌دهد.

تکنولوژی و هنر

مطابق آنچه در بخش قبلی مقاله گفته شد، تقسیم هنر و تکنولوژی هم با توجه به این مبانی صورت می‌گیرد. ما دو ساحت داریم که در یکی کارآمدی برجستگی و اهمیت بیشتری دارد که بدان تکنولوژی می‌گوییم و در دیگری این زیبایی و تناسب است که اهمیت و قرب می‌یابد. این در حالی است که در جهان قدیم پیروی یگانگی که میان «معرفت» (حقیقت) و «فضیلت» (اخلاق) و «زیبایی» (هنر) برقرار است، آنچه معرفت است، زیبا هم به شمار می‌آید (امینی، ۱۳۸۸).



نمودار ۲. نحوه و برهمکنش معماری و تکنولوژی و

جنبه‌های ماهوی متمایزکننده آنها که بنیان بی‌هویتی در معماری را بوجود آورده است و ناشی از این مولفه‌ها می‌شود؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس امینی، ۱۳۸۸.

جدا کردن هنر از تکنولوژی مانند هر تقسیم دیگری مزایا و معایب خاص خود را دارد. حسن این روش جدا کردن دو ساحت و معرفت است که تا حد زیادی با هم تفاوت دارند. ماهیت هنر بر زیبایی متکی است و این زیبایی ممکن است کارآمدی و بهره‌مادی و معیشتی نداشته باشد. بنابراین دو دغدغه وجود دارد که یکی ساختن برای هدفی و دیگری ساختن بدون غایتی خاص است؛ آن‌گونه که کانت می‌گوید.

«والتر بنیامین»، نظریه پرداز آلمانی، از نخستین کسانی بود که کوشید تکنولوژی را به فرهنگ تعبیر کند. اندیشه‌هایش عمدتاً از طریق دوست‌اش با «تئودور آدورنو» تأثیری دوگانه بر مکتب فرانکفورت گذاشت و به دلیل همین دوگانگی غالباً به این تأثیر کم بها داده می‌شود. اگرچه آدورنو در همکاری با «ماکس هورکهایمر» در تحلیل رسانه‌ها گرایشی متفاوت و آشکارا بدبینانه‌تر از بنیامین یافت، میان آن‌ها پیوستگی‌های جالبی هست که در پژوهش‌های رسانه‌ها به دلیل غفلت از لحن انتقادی‌تر آثار بنیامین (۱۹۶۹) عمدتاً نادیده گرفته می‌شود (زللی ۲۰۰۱). میان تحلیل‌های «بنیامین و مک لوهان» همانندهایی هست، از آن رو که هر دو بر اولویت مشکل تأکید می‌کنند. یعنی هر دو می‌کوشند خواننده را از شناختن به سمت تحلیل محتوا بازدارند و پیچیدگی‌های خود رسانه را نادیده می‌گیرند. در واقع براساس تعبیر پست مدرن می‌توانیم بگوییم که «حس و حال» آغازگر چیزی است که دریدا (۱۹۸۲) آن را نه به سبب ماهیت محتوایش بلکه به دلیل ساختارش، «متافیزیک حضور» می‌نامد. متافیزیک حضور یعنی فراموش کردن رسانه؛ آن نوع فراموشی که هیچ چیز به معنای دقیق کلمه نزد ما حاضر نیست (بی‌واسطگی)، بلکه همیشه بازنمایی یا نمایش داده می‌شود (وان لون ۱۹۹۶ الف). فراموش کردن معنا و مفهوم معماری و ساختن [یا آنچه واتیمو (۱۹۹۲) آن را «توهم شفافیت» می‌نامد] همان چیزی است که برای مثال موجب می‌شود ادعا کنند که معماری دقیقاً به همان صورتی که معماران می‌سازند و یا به عبارتی «به راستی اتفاق افتاده است». با وجود این، آمیختن رویداد و رسانه صرفاً نتیجه «سستی فکر» نیست بلکه همان‌گونه که ویریلو (۱۹۹۷) در آسمان باز گفته (و بسیار پیش از او هایدگر تلویحاً به آن اشاره کرده) وضع عینی ذاتی خود تکنولوژی مدرن است (جاکوب، ۱۳۸۸، صص ۸۹-۹۰).

در زمینه هنر نیز، توانایی فوق‌العاده برای افزایش

جدول ۳. فراتحلیل افکار و نظریات به هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن؛ ماخذ: مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰.

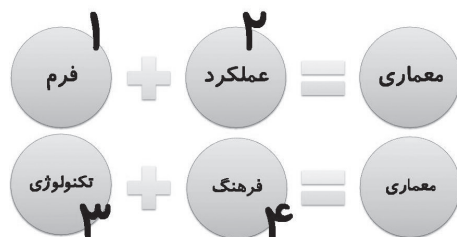
تنبین معنای هویت	پیش از مدرن	مدرن	پست مدرن
جامعه	قوانین جامعه	قرارداد اجتماعی مبنی بر نظر اکثریت	قرارداد شخصی مبنی بر نظر فرد
	هدف انسان	یافتن هویت ویژه و واحد برای جهان	یافتن هویت ویژه متکثر برای خویش
	رویکرد کلی نسبت به هویت	یکپارچه بودن اجباری	خود بودن
معماری	دیدگاه نظری نسبت به هویت	واحد و اکتسابی	متکثر و اکتسابی
	مبانی نظری معماری	عملکرد گرایی	کثرت گرایی و برداشت انتقادی از مفاهیم سنتی
	طراحی معماری	ساخت بناهای هم شکل و هندسی طبق استانداردها	تقلیدی از معماری گذشته و معماری مدرن
شهر	ویژگی سبکی	بهره گیری از فناوری و ساخت و ساز صنعتی	بهره گیری از نماد، تزئینات، فرمهای انتزاعی، تقلید معماری گذشته
	تعبیر مردم از معماری شهر	همگرا (در مقیاس خرد)	واکرا
	ویژگی شهر	معماری ما در مقیاس خرد	معماری من ها
هویت در معماری	هویت ثابت و منطقه شمول	هویت ثابت و جهان شمول	هویت متکثر

فرهنگ و محتوا:

- ۱- «فرم» عبارت از هندسه و شکل اثر می باشد و
- ۲- «عملکرد»، شامل کاربری ها و بهره گیری ها در فضای معماری است.
- ۳- «تکنولوژی» شامل فرآیند ساخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت و مصالح، تکنیک ها و سیستم های ساختمانی می باشد.
- ۴- «فرهنگ و محتوا» نیز درونمایه غیرفیزیکی شامل مفاهیم و معانی مطرح شده در اجزا و کل اثر می باشد که از فرهنگ، تاریخ، اعتقادات و مبانی فلسفی جامعه و معمار نشات می گیرد (گلابچی و شاهرودی، ۱۳۸۹).

بنابراین یکی از اصلی ترین عناصر برپاکننده هر اثر معماری، «تکنولوژی» است. معماری در گذشته و حال از دو گونه تکنولوژی بهره جسته است، تکنولوژی

دامنه دید و رای محدودیت های طبیعی که حاصل تصاویر سینما و عکس است تأثیری شگرف بر علم، از جمله علوم رفتاری، گذاشته است که در میان آنها شاید روان کاوی مشتاق ترین مصرف کننده فیلم باشد. پنجاه سال پس از بنیامین بودریار (۱۹۹۰) برای این برهان خود، که پی آمد اصلی گسترش چشمگیر تکنولوژی های دلالت گری متلاشی شدن واقعیت از درون بوده است، به اصطلاح «واقعیت پیشینه» متوسل می شود؛ به این معنا که «امر واقعی» را دیگر ادراک حسی ما مشروط نمی کند بلکه به یک انتزاع (برای علم) یا مجاز (برای عقل فردی) تبدیل شده و از این رهگذر «شکل های ساختاری کاملاً تازه فاعل شناسایی را آشکار می سازد» (بنیامین ۲۳۰: ۱۹۶۹)؛ فیلم با فراهم کردن نمای نزدیک چیزهای اطراف ما، با تأکید بر جزئیات پنهان اشیا آشنا، با کاوش محیط عادی پیرامون ما به هدایت خلاقانه دوربین از سوی درک ما را از ضروریات حاکم بر زندگی مان گسترش می دهد و از سوی دیگر ما را از میدان فراخ و نامنتظر عمل مطمئن می سازد (بنیامین، ۱۹۶۹، ص ۲۲۹؛ بنقل از جاکوب، ۱۳۸۸).



نمودار ۳. رابطه تکنولوژی و معماری؛ ماخذ:

ترسیم نگارندگان (۱۳۹۳) بر اساس گلابچی

و شاهرودی، ۱۳۸۹.

تکنولوژی و معماری

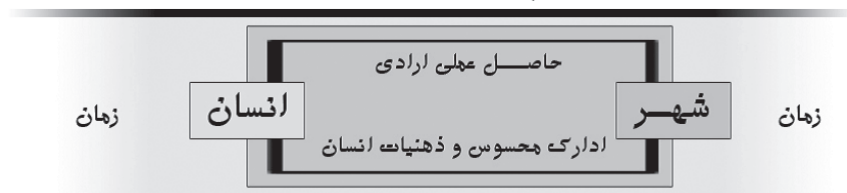
معماری را می توان از چهار بخش اصلی متشکل دانست؛ «الف- فرم، ب- عملکرد، ج- تکنولوژی، د-

سنتی و تکنولوژی مدرن، تکنولوژی های سنتی به ندرت تدوین شده اند ولی تکنولوژی های مدرن همیشه مدرن بوده اند. روش ها در تکنولوژی های سنتی می توانند تشریح شوند، اما فرموله نیستند به مانند اصولی که برای نیازهای متعدد و بسیاری به کار گرفته می شدند. اما تئوری های اساسی تکنولوژی های مدرن وابسته به نیازهایشان هستند. اما علاوه بر تفاوت های مذکور، نحوه به کارگیری و دخالت تکنولوژی های سنتی و مدرن در معماری نیز دگرگون شده و تکنولوژی مدرن زمینه ساز تغییراتی در هویت و محتوای فضاها و عناصر معماری گردیده است (گلابچی و شاهرودی، مقدمه ای بر تکنولوژی معماری، ۱۳۸۹). تکنولوژی در فرهنگ لغات، ابزاری تکنیکی برای رسیدن به اهداف عملی است. تعاریف جدیدتر از تکنولوژی به این امر اشاره می کند که نباید تکنولوژی را محدود کرد و آن را با ابزار و ماشین یکی دانست (وودوارد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

هویت، فرهنگ و معماری فرهنگ را می توان مجموعه ای پیچیده از دانشها، باورها، هنر و آداب و رسوم یک جامعه دانست

(تایلور، بنقل از کورز، ۱۳۷۸، ص ۴۰۱) که مبتنی بر ارزشهایی است که گروهی بر آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵). فرهنگ نظامهای نمادین از گنجینه هایی شناختی از یک اجتماع است که بدست نسلهای پیشین استوار گردد و امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار دهد (نولان، ۱۳۸۰، ص ۶۳). هویت را نیز الگوهای رفتاری منحصر بفردی می دانند که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲) و بر این اساس برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند، بیگانه می نماید (گیدنز، ۱۳۷۰، ص ۵۶). هویت، خاص ذات احدیت است و مراد از ذات، آن امر ثابت است و در مقابل غیریت، مطرح می شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹). «کالهن» در باب هویت، می گوید: «هیچ مردم بی نامی را نمی شناسیم، هیچ زبان و فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری تمایز برقرار ن ساخته باشد، نوعی از شناسایی خویشتن که همواره نوعی «ساختن» محسوب می شود، صرفنظر از اینکه تا چه حد همچون یک کشف احساس

پدیده منظر شهری



پدیده عینی - ذهنی
نمودار ۴. منظر شهری و معماری نماد درجه تمدن و هویت جمعی اقوام و ملتهاست؛ ماخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۱.

پدیده منظر شهری



پدیده عینی - ذهنی

نمودار ۵. به کارگیری معانی و مفاهیم قابل درک در شهر، تداوم زندگی اجتماعی و شهر با خاطره از نشانه های حفظ هویت در منظر شهری است؛ ماخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۴.



نمودار ۶. ابراز هویت فردی یا گروهی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت فرهنگی-اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده؛ ماخذ: دامبار، ۱۳۹۳، ص ۹۵.



نمودار ۷. ابراز هویت فرهنگی-اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت مطلق معماری؛ ماخذ: دامبار، ۱۳۹۳، ص ۹۶.

شود» (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۳). معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می نمود، معماری بر این اساس خویشن شناسی در بستر زمینه های تاریخی و فرهنگی را می توان گامی اساسی در راستای هویت سازی فرهنگی بحساب آورد، هویتی که فرآیند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی است که بر دیگر منابع معنایی الویت دارد. معماری را نیز بایستی ماکتی از تاریخ و گذشته دانست (حجت، ۱۳۷۲، ص ۶۱) که نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی یک قوم فرهنگ یا نژاد خاص است که در بستری کالبدی و فضایی خود را می نمایاند. این مهم با ذکر این نکته ادراک می شود که با حرکت در فضاهای سنتی ابنیه و شهرسازی کهن ایرانی، شوری خودبانی و صیانتی نفسانی، بر انسان وجدان می شود که در قالب شادابی و سرزندگی فضایی خود را می نمایاند و بتعبیر لینچ، سیمای شهر را رقم می زند که به دیده می آید، به ذهن سپرده می شود و سبب شادی و انبساط خاطر می گردد (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۵). هویت فرهنگی معماری را همان ارزش هایی رقم می زند که تنها، در بستر ابنیه سنتی مبتنی بر زمینه های تاریخی و فرهنگی که به نام «معماری زمینه گرایی» تسمیه یافته است، ادراک می شود؛ چرا که معماری به آن دلیل شکل می گیرد تا ارزشها را در خویش بپروراند و صورتی کالبدی بر آنها متصور شود که اگر چنین نبود و

معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می نمود، معماری ابنیه کهن چیزی بیشتر از جز مشتی خشت و خاک نمی نمود.

زمینه گرایی و معماری

معماری در زمینه نه یک کم توجهی و نه یک نوآوری افراطی است، بلکه یک ارتباط بصری شیوا و قوی با محیط است. یک ساختمان منفرد در ابتدا به عنوان جزئی از کل محسوب می شود. خلق فضاها و مکانهایی که زندگی مردم را با کیفیت نماید اساس کار معماران به حساب می آید. هر ساختمان می تواند و می باید در گفتگو و تعامل با تاریخی، اعتقادات و نیازهای زمان و مکان خاص باشد. به لحاظ تاریخی، طرح مباحث مربوط به ساختارهای جدید در محیط های با ارزش و تاریخی با ظهور فن آوری و شهرسازی جدید در قرن نوزدهم میلادی هم زمان است. زیرا در این دوره تضاد آشکار میان شهرهای سنتی با مفهوم توسعه شهرها به شیوه جدید بوجود می آید. کامیلوست از اولین طرفداران حفاظت بافتها و بناهای با ارزش بیان می کند که ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد، موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط اطراف است، نه روابط کاربری بناها و فضاهای تهی مجاورشان (قدیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳). هدف طراحی شهری ادراکی زمینه گرا، ایجاد یک منظر ذهنی

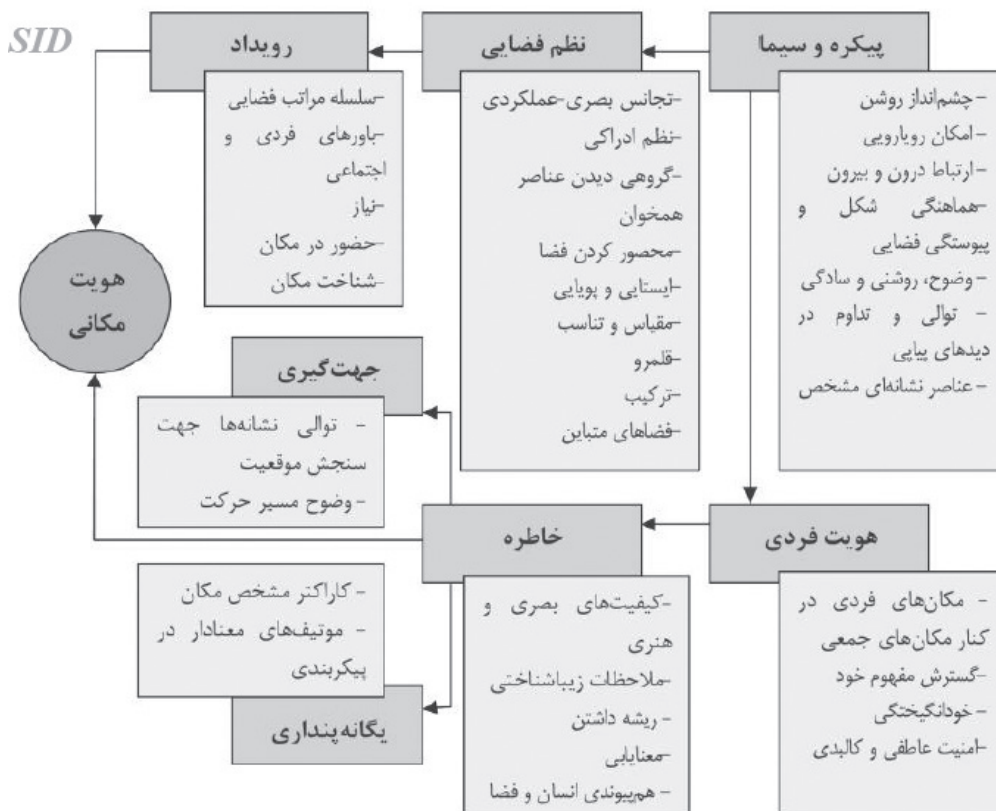
قوی از شهر است. کانون توجه آن تحلیل، طراحی و مدیریت محیط ها با توجه به کیفیات قابل تجربه مکان است. ویژگی های منظر شهری ادارکی-زمینه گرا عبارتند از (گلکار، ۱۳۹۰؛ و گلکار، ۱۳۸۷):

۱. مطرح بودن آن به عنوان یک ساختار اجتماعی-فضایی است؛
۲. پدیداری که تنها از طریق تجربه انسانی و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می شود؛
۳. از مفهوم سه بعدی فراتر رفته و لحاظ کردن بعد معنا در پارادایم مکان و فضا؛
۴. مجدداً خیابان به مثابه یک عنصر معمارانه و اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد؛
۵. بهره گیری از آرایه های ساختمانی؛ و رنگ مجدداً در دستور کار طراحان مطرح می شود؛
۶. حفاظت از ساختمانها و بافت های ارزشمند شهری براساس توجه به اصل "حس مکان" صورت می گیرد؛ و

۷. طرح اهمیت مسئله "حرکت" در ارزیابی منظر شهری (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶-۱۰۷)؛

هر نسلی باید نمادهای قدیمی را که از نسل قبل به او رسیده است، مجدداً تعریف کند و مفاهیم قدیمی را با عبارات عصر خود دوباره تبیین کند، چرا که معماری بیان فضا است به نحوی که در مشاهده کننده تجربه معینی از فضا در ارتباط با تجارب پیشین و آتی ایجاد کند (بیکن، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

هر زمینه و متن شهری دارای مقیاس، حجم، فرم فضایی و مصالح و شیوه معماری و شهرسازی ویژه خود است که به طراحان حساس در خصوص نحوه مداخلات کالبدی رهنمودهای لازم را ارائه می کند و جوامع نیز به نحوی کنترل هایی اعمال می کنند؛ بنابراین مباحث نظری و فلسفی اغلب بر محور چگونگی و کیفیت وقوع این موضوع و نحوه سازگاری



نمودار ۸. مدل مفهومی برای عوامل شکل دهنده به هویت: ماخذ: پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

و پیوستگی میان بناهای جدید با وضعیت ساختاری موجود است (همان، ۱۳۸۵، ص ۱۲). از نظر ادموند بیکن معماری رنسانس این موضوع بخوبی رعایت شده و موفقیت فضاها و نماهای شهری این دوره را تضمین نموده است. ارتباط بصری، ویژگیهای مرموزی که توسط متخصصین حرفه‌ای قابل درک باشند نبوده، بلکه ویژگیهای ساده و ابتدایی هستند (آسیایی، ۱۳۸۹). تناسبات پنجره‌ها، محل قرارگیری درب ورودی، عناصر تزئینی، سبک، مصالح و خط آسمان نمونه ویژگیهایی هستند که بوجود آورنده وحدت و یا عدم وحدت و یکپارچگی یک خیابان، محله یا منطقه می‌باشند. هر محل برای خود دارای ترکیبی از این عناصر و درجه آزادی برای ایجاد تنوع در طراحی می‌باشد. یک ساختمان برای تناسب با زمینه و تقویت وحدت بصری منطقه، نیازی به تقلید دقیق شکل و فرم ساختمانهای مجاور ندارد، بلکه می‌بایستی ویژگیهای مشترک و اساسی معینی را داشته باشد. طراحی در درون زمینه لزوماً به معنی یکنواختی نیست. باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می‌کند و تنوعی که در آن توان دیده میشود فرق گذاشت. هردوی اغتشاش و یکنواختی ناخوشایند هستند. ارزیابی کیفیت زمینه یکی از موضوعات اساسی در زمینه‌گرایی است که لازمست به آن پرداخته شود (Brolin, 1980: 148-153).

«مریل گینس» (۱۹۸۰) زمینه را در معماری تحت سه موضوع کلی، «الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی» دسته‌بندی می‌کند که در زیر به معرفی هر کدام پرداخته می‌شود (برولین، ۱۳۸۳):

الف) الگوهای فرمی: فرم در اینجا البته عناصری چون فضا، شکل، مقیاس و تناسبات جزئیات مصالح بافت و رنگها را در بر می‌گیرد. این عناصر در دو بعد جغرافیایی و زمان می‌توانند برای ارتباط معماری با زمینه‌اش مورد استفاده قرار گیرند. بعد جغرافیایی را می‌توان در سه مقیاس مطرح کرد:

۱. ارتباط بنا با بناهای مجاور و در فاصله کاملاً قابل دید و درک. نمونه چنین ارتباط با زمینه اطراف را

می‌توان در نماهای شهری و جانمایی جدید در سایت‌های تاریخی شاهد بود؛

۲. مقیاس بعدی زمانی است که بنا نه با محیط لزوماً مجاور که با سایت اطراف ارتباط برقرار می‌کند؛

۳. سومین اتصال با سایت در مقیاس منطقه‌ای قابل حصول است. علاوه بر ابعاد فاصله‌ای و بصری بنا می‌تواند در بعد زمان (گذشته، حال و آینده) نیز با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند.

ب) الگوهای فعالیتی: در زمینه‌های فعالیتهای گردش در فضای سایت بنا رفتار افراد و گروهها از جمله عواملی هستند که می‌توانند بنا را با زمینه‌اش مرتبط کنند؛

ج) الگوهای اقلیمی: اقلیم که تاثیر خود را در مصالح، رنگها و بازشوها، فشردگی احجام، فرم آنها، سقف‌ها و... بروز می‌دهند. هنر و حساسیت معمار، میزان درک او از ویژگی‌های فیزیکی و «ذهنی-احساسی» سایت یا «حس مکان» که تنها با حضور و زندگی در یک مکان حاصل می‌شود به معمار کمک می‌کند تا این ارتباط را بهتر درک و ایجاد کند. این ویژگی می‌تواند به عنوان ماهیتی مکتوم در سایت باید توسط معمار کشف می‌گردد تعبیر شود. هر حوزه، ناحیه وسیعی است که ویژگی‌های فضایی-شکلی آن با سازماندهی توده‌ها و فضاها در الگوهای منسجم و دقیق و قابل شناسایی شکل و زمینه تعریف می‌شود. پنج ویژگی حوزه شامل موارد زیر می‌گردد:

۱. داشتن مرکز یا مراکز؛

۲. بافت که شامل تراکم و تارو پود می‌شود؛

۳. مشخص ساختن انواع خاصی از الگوها مثل: الگوهای خطی، متحد‌المرکز و شعاعی؛

۴. لبه که ممکن است توده یا فضا باشد؛ و

۵. مناطق یا حوزه‌هایی کوچکتر که در آن گروههای خاص از اشیا یا الگوهای قابل تشخیص اند. زمینه اجتماعی و فرهنگی «مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه‌ای از ارزشها، باورها، جهان‌بینی و نظام

جدول ۴. رویکردهای کلیت و انسجام فضاهای شهری و شهر: مآخذ: یگانه، ۱۳۷۹.

زمینه گرا	ساختارگرا	زیبایی گرا	سازمندگرا	کل گرا	وحدت گرا	رویکرد
همگرایی اجزاء با ارزش های تاریخی و فرهنگ جمعی	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل	تأثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر	گرایش اجزاء به هنگام شکل گیری برای وابستگی با نظام آفرینش	اهمیت کل به عنوان منشاء شکل گیری اجزاء	همگرایی اجزاء متکثر برای پیوستن به کل	مبانی کلیت و انسجام
همخوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی	عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص	هماهنگی و تناسب اجزاء	همگرایی با روندهای طبیعت	تبعیت از روابط حاکم بر کل	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	عامل تعیین کننده کلیت و انسجام
روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و عینی	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش شهودی بر مبنای دریافت روندهای طبیعت	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شهودی بر مبنای دریافت وحدت حقیقی	روش شناسی
ایجاد کل معنی دار	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا	ایجاد کل آراسته و هماهنگ	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روندهای طبیعت	ایجاد کل یکپارچه با نظمی در هم نفوذ یافته	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت خداوند	هدف از کلیت

های نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند.» (1977;Rapoport)

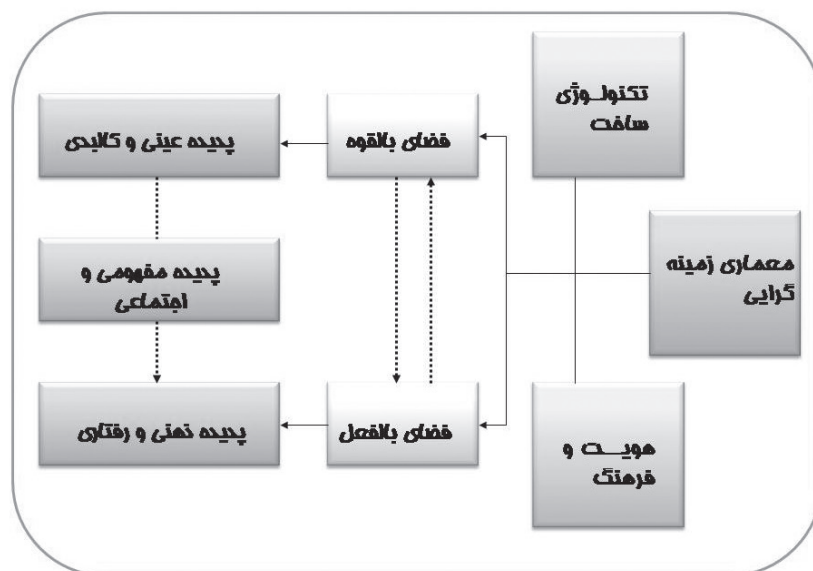
زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی است که زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد. زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشت، اما بتدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی- فرهنگی جامعه گسترش داد. زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته می‌باشد (stokols, 1987: 15-18). در مجموع رویکردهای کلی‌ای که در مقوله انسجام شکل شهرها و توجه به زمینه‌های مختلف وجود دارد در جدول زیر ارائه گردیده است.

انواع زمینه‌گرایی در معماری نیز عبارتند از:

۱- «زمینه‌گرایی کالبدی»: در زمینه‌گرایی کالبدی،

اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شود، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگتر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابر این زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه معین است. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک زنده و مطلوب ایجاد کند (Brolin, 1980: 148-153).

۲- «زمینه‌گرایی تاریخی»: تاریخ‌گرایان معتقدند که گذشته برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بی‌هوده فرض نموده است. انسان در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی این است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز گردد. پوپر در این زمینه می‌گوید: اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه‌های پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌



نمودار ۹. معماری زمینه‌گرایی و تعامل تکنولوژی و هویت: ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می کند و مبنایی برای عمل است. (Row&kotter, 119-1978:118)

۳- «زمینه گرایی اجتماعی - فرهنگی»: زمینه گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزشها، باورها، جهان بینی و نظامهای نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند (Rapoport, 1977:6) اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. وقتی فضا محتوای فرهنگی می یابد مکان نامیده می شود (schultz, 1980:18) بحث آنها بیشتر بر روی معنی به جای قواعد شکلی استوار است، زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه ای که ظاهر می شود، درک می شود. بسته به اینکه طراحی با چه هدفی انجام گیرد، تا اینکه طراح چقدر در خلق یک اثر هماهنگ با زمینه پیرامون اثر موفق باشد، حالتهاى مختلفی بوجود خواهد آمد تا طیفی از نهایت سازگاری و تطابق گرفته تا ناساگارتین حالت را شامل خواهد شد. جدول زیر گونه های مختلف زمینه گرایی و نازمینه گرایی را نشان می دهد. همانطور که در مباحث قبلی اشاره گردید، تعیین سازگاری و ناسازگاری یکی از موضوعات و چالشهای اساسی در این بحث می باشد، از اینرو نمونه های انتخابی نیز ممکن است شامل این اختلاف نظر یا سلیقه شخصی گردد.

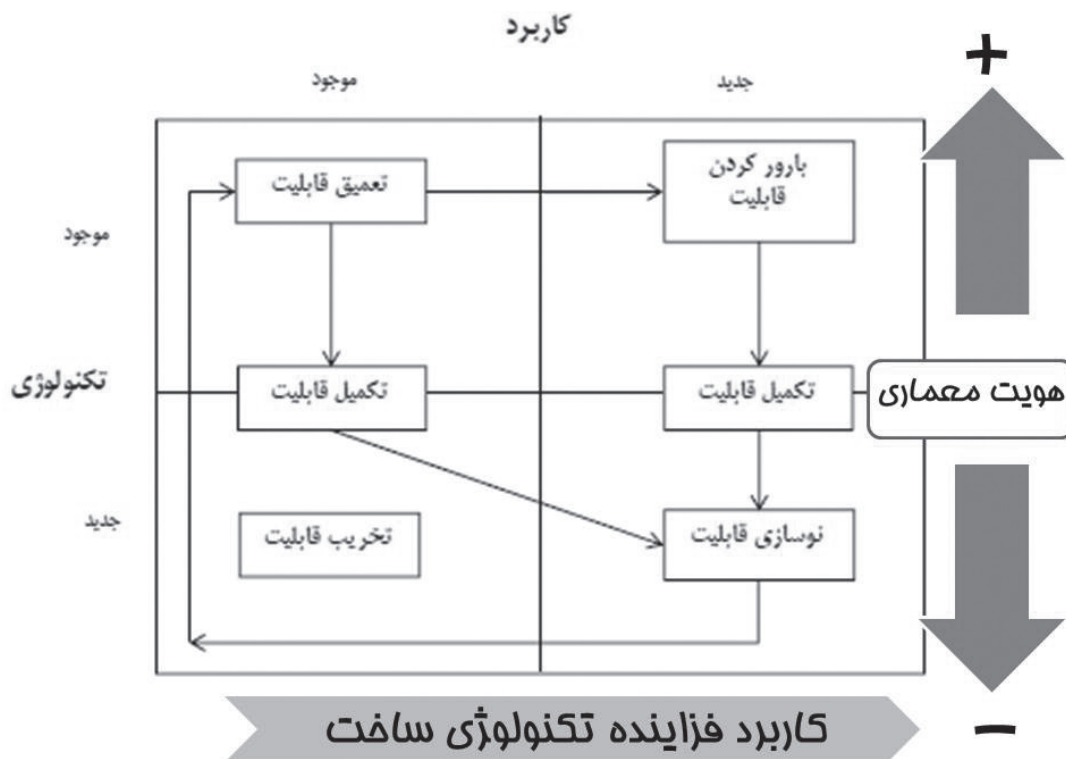
نتیجه گیری و جمع بندی

در پایان باید گفت که تکنولوژی مدرن در عرصه های مختلف معماری معاصر ایران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحی و ساخت و در نهایت در اثر نهایی حضور جدی دارد و آثار خود را در فضاها و اشکال معماری معاصر نمایان ساخته، اما از تاثیرات آن غفلت شده و

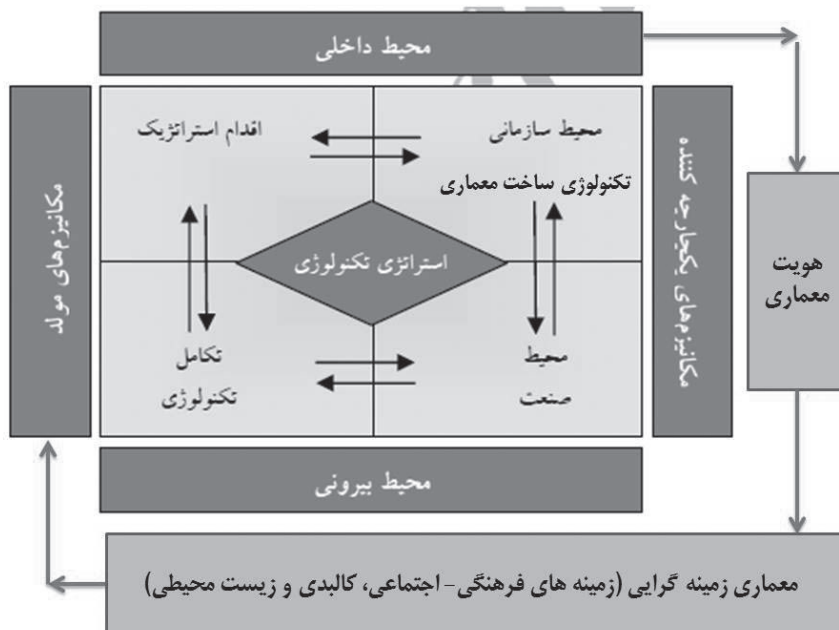
بدان به مثابه ابزاری خنثی و بی اثر نگریسته شده و این درحالی است که اثر تفکر تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه طراحی و تکنولوژی ساخت معماری نیز آشکار است. لذا مباحثی که پیرامون تکنولوژی و سازه مناسب در برخی از آثار، بالاخص در معماری معاصر غرب مطرح می گردد، دلیلی بر پذیرش مبانی نظری آن نبوده بلکه تاکید بر چگونگی هم آوایی تکنولوژی و سازه با معماری در راستای مبانی مورد نظرشان می باشد و هدف، یافتن شیوه دست یافتن به چنین مقصودی می باشد. از سویی دیگر، معماری آن توان را دارد که بر فرهنگ جامعه تاثیر گذارد و در این بستر است که بایستی بعنوان عنصری فرهنگی، خود نیز هویت سازی نماید. این خود می رساند که معماری مانند دیگر عناصر اجتماع بلکه فراتر از آنها می تواند بعنوان عنصری فرهنگی در تعامل با ساختار اجتماعی، عنصری هویت پذیر و هویت ساز قلمداد شود. این امر در عصر جدید بایستی مورد توجه قرار گیرد که معماری و شهرسازی همراه با تاثیر و تائری در ساختار هویت فرهنگی خواهد بود. در عصر جهانی شدن، عدم توجه کافی به بنیانهای فلسفی با ریشه های تاریخی ارزشهای معنوی و مادی موجب شده با رویکرد علوم جدید برخوردی منفعل داشته باشیم. تا هنگامی که مفاهیم متعالی نزد ما صرفا بازدهی بیشتر، سهولت کاربردی تر و رسیدن به اهداف اقتصادی و مانند آن داشته باشد، قطعاً به دلیل عدم شناخت عمیق از فناوری دچار مشکلاتی خواهیم بود. در دنیای معاصر که تمامی امور زندگی به نحوی با فناوری مدرن در ارتباط است، به جای نگاه سطحی به فناوری باید به مفهوم آن پرداخت و به جایگاه فناوری در دنیای کنونی و رابطه ای که با انسانها برقرار می کند اندیشید و با توجه به تغییراتی که فناوری در جامعه، جهان و ارزشهای آدمی بوجود می آورد، جایگاه آن را بین انسان و جهان تعیین کرد. فناوری با سرعت و بدون توقف جریان دارد و این در حالی است که بعد از گذشت سالهای بسیار از فناوری ما هنوز ماهیت آن

جدول ۵. گونه های مختلف معماری در زمینه و میزان انطباق با تکنولوژی های نوین؛ مآخذ: یافته های نهایی تحقیق.

نوع معماری در زمینه	ویژگیها و مولفه های شناسایی	میزان انطباق با بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت
کاملاً زمینه گرا	طراحی بنا بگونه ای است که مافوق زمینه بلافاصل خود بوده و تاثیرش تا آنسوی حوزه زمینه موجود ادراک می شود. در عوض برای خودش ایجاد زمینه می کند. نقش مهمی در هویت شهر ایفا نموده و به احتمال بسیار زیاد تبدیل به یک شمال می گردد.	استفاده از تکنولوژی نوین صرفاً و صرفاً به شرط تلفیق با زمینه های موجود که نشان ماهوی بستر طرح هستند، پلانچ است و هر گونه بهره گیری از تکنولوژی جدید مغایر با طرح ممنوع است.
عمیقاً زمینه گرا	طراحی ساختمان به محیط پیرامون بخوبی جولگوست. بدون گسستگی با محیط ترکیب می شود البته نه در جهت حفاظت از زمینه بلکه در جهت ارتقاء آن.	هر نوع بهره گیری ممنوع به نظر می رسد. لذا نیازمند رویکردهای حفاظتی - مرمتی و غیر قابل تعمیر دهی به فضاهای ساخت جدید خواهد بود.
حالتی بین دو وضعیت بالا	ساختمان در نظر اول نشان دهنده توجه زیاد به خود به عنوان نتیجه ای از یک طراحی عالی است. اما در اصل به نوعی دیگر زمینه گراست. یقیناً به تنهایی به عنوان یک شمال است اما بدلیل احترام به زمینه قابل تقدیر است.	استفاده از تکنولوژی ساخت جدید به شرط عدم شمال گرای و مجسمه گرای در طرح معماری و شاکله کلی بنا اشکالی ندارد.
کاملاً نازمینه گرا	طرح بنا در درک و توجه به زمینه ورود پیدا نکرده، ضمن اینکه نتوانسته بر آن تفوق داشته باشد. در نهایت این نوع بناها به طور ناچور دیده شده و بدون تبدیل شدن به شمال و ناتوان از ایجاد یک زمینه در متن شهر می باشد. نمونه اینگونه بناها در ساختمانهای مدرن که به واحدهای همسایگی تجاوز کرده و خود را به طرز قابل بخشش تحمیل کرده است.	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت پلانچ است؛ چراکه هیچ راهکاری نمی تواند وضع موجود را بهتر کند؛ لیکن تلاش شود تا تکنولوژی بتواند به تمیق احتمالی زمینه های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
نازمینه گرای موفق	ساختمان همانند یک انگشت زخمی بیرون زده است. اما طرح بنا معمار را به عنوان فردی خلاق معرفی می کند. معمولاً این کار از روی قصد و بر نامه ریزی قبلی است و بنا به تنهایی جلوه خوبی دارد زیرا که قصد آن جذب مخاطبان صرفاً به بنای مورد نظر است، فارغ از زمینه.	ضمن توجه زمینه های ماهوی، هویتی و فرهنگی سایت و بستر طرح قابل کاربست است.
نازمینه گرای ناخواسته	در این نوع نازمینه گرای سعی معمار خلق معماری با توجه به زمینه و درک محیط است اما به دلایلی در آن موفق نمی شود. از جمله بدلیل طراحی ضعیف، نقص در برقراری ارتباط با محیط، یا ترکیبی از هر دو.	تکنولوژی نوین می تواند از زمینه های موجود فرهنگی و هویتی برای کاهش میزان نازمینه گرای ناخواسته طرح، استفاده کند.
زمینه گرای مطبوعانه	طرح ساختمان، عناصر محیط و همسایگی را بخوبی منعکس نموده و ساختمان با منظر کلی خیابان بصورت یکپارچه ترکیب می شود. این موضوع با هدف فرارگیری مسالمت آمیز ساختمان در درون زمینه خود انجام می گیرد.	باید با عناصر محیطی و همسایگی ها هماهنگ باشد و تنها در اینصورت تکنولوژی می تواند استفاده شود.
زمینه گرای شناسانه	طرحی بنا بگونه است که آنرا بر اساس دوره زمانی که ساخته شده و همچنین بر اساس سبک غالب که بر معماری آنجا حاکم است، زمینه گرا می نماید. ما اغلب اینگونه ساختمانها را زمینه گرا می نامیم چون بخوبی سبک شان را بازگو می کنند بدون اینکه نیازی به باز تعریف سایر ساختارها و نمونه ها باشد.	تنها در صورت هماهنگی با سبک شناسی معماری و بناهای تاریخی و بستر موجود پلانچ است و باید از هر نوع تفاوت یا تلفیق های سبک یا اکلیتیسم در بستر طرح پرهیز شود.



نمودار ۱۰. کاربرد فزاینده تکنولوژی در معماری بدون در نظرگیری زمینه های فرهنگی و اجتماعی (معماری زمینه گرا) باعث بی هویتی حداقل مقطعی در بناهای معماری می شود؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.



نمودار ۱۱. مدل مفهومی نحوه تعامل هویت، تکنولوژی های نوین ساخت و معماری زمینه گرایی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

را بدرستی نمی دانیم.

کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت چراکه پیچیدگی تولید شهر نشان می دهد تکنولوژی بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست هر چند که خرد تولیدی به ساختن شهر کمک می کند اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی نیست. اینکه چه چیزی لازم است، یک فهم عمومی و یک استفاده آگاهانه از تکنولوژی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکلدهی معماری و ساخت آینده شهرها و بهره گیری متناسب از تکنولوژی های نوین ساخت در بستر و زمینه طراحی و ساخت بناهای معماری خواهد بود.

منابع و ماخذ

۱. آسیابی محمد (۱۳۸۹) درک و بیان محیط شهری، تهران، انتشارات طحان- هله.
۲. آتشین تبار، محمد (۱۳۸۸) تداوم هویت در منظر شهری، نشریه باغ نظر، تهران، شماره ۱۲.
۳. اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدرگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول.
۴. اعتماد، شاپور (۱۳۸۳) سخنرانی در باب مفهوم هویت در تکنولوژی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، درج شده در سایت باشگاه اندیشه؛ زمان برداشت: نگارنده، ۱۳۹۳.
۵. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، تهران، انتشارات گروس.
۶. امینی، شیدا (۱۳۸۸) بحثی در نسبت تکنولوژی و هنر، روزنامه قدس، ۱۴ شهریور ۱۳۸۸.
۷. برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضا زاده، انتشارات نشر خاک.
۸. بورکهارت، ابراهیم (۱۳۶۹) هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
۹. بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

در عین حال باید گفت که، در چالش فی مابین تکنولوژی و هویت معماری و تاکید بر بهره گیری از زمینه های موجود در فرهنگ حاکم بر طراحی و تولید معماری، دانشمندان مباحث استراتژی توسعه و تصمیم گیری در این مقوله را انتخاب نقطه صحیح و مطلوب از یک معما می دانند که بنا بر عامل هایی چون محیط سیستم، ارزش های حاکم بر آن و منابع در دسترس و اولویت بندی ها می توان نقطه مطلوب را تعریف و روش رسیدن و مراحل رسیدن به آن را مشخص نمود. دانشمندان خط مشی گذاری عمومی، رویکردهای عمده به این مقوله را بر اساس اینکه: رویکرد منفعلانه باشد یا تهاجمی؛ و جامع باشد یا بخشی، در چهار دسته متفاوت دسته بندی کرده اند. رویکردهای منفعلانه و بخشی محکوم به شکست توصیف شده اند؛ چه اینکه تمامی ابعاد مسئله را در نظر نمی گیرند و معمولا به علت بروز بحران در یک بخش خود را به سیستم تحمیل می کنند و رویکردی منفعلانه را جهت مقابله با آن برای سیستم ایجاب می کنند. رویکردی تهاجمی و با نگاه جامع و سیستمی، تنها رویکردی است که پاسخگوی نیاز کشورمان در عصر حاضر است و جدا از اینکه چه دولتی بر سر کار است، می بایست برای آن برنامه ریزی شود. بر این اساس، معماری زمینه گرا تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان تر از معماری است و پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می دهد که این توجه میتواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت کننده باشد. زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است که بر طبق آن ایده ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. درک ویژگی های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است. به طور کلی در طراحی متناسب باز مینه باید به شکل

- شهرسازی و معماری ایران.
۱۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی، مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۳.
۱۱. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱) هویت و مکان: رویکرد پدیدارشناسانه، نشریه هویت شهر، شماره ۱۰.
۱۲. بیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۸) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلام حسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۳. تولایی، نوین (۱۳۸۰) زمینه گرایی در شهرسازی؛ نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ شماره ۱۰.
۱۴. جاکوب، دیوید (۱۳۸۸) رسانه و فلسفه تکنولوژی، مترجم امین حامی خواه، درگاه اینترنتی باشگاه اندیشه.
۱۵. جعفری، عاطفه و دیگران (۱۳۹۲) نقش تکنولوژی های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
۱۶. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۹) تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۱۷. دامیار، رضا (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری؛ نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶.
۱۸. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳) معرکه جهان بینی ها، در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب.
۱۹. رهبرنیا و زهرا رهنورد (۱۳۸۵) مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی، هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۲۰. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۰) فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۱. شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۲. شاهرودی عباسعلی، گلابچی، محمود (۱۳۸۶) مقدمه ای بر معماری و تکنولوژی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. شوای، فرانسواز (۱۳۷۵) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. قانعی راد، محمد (۱۳۸۸) دوگانگی های فرهنگی تکنولوژی، نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
۲۵. قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
۲۷. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، با مقدمه مهدی حجت، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. کورز، لوئیس آلفرد (۱۳۷۸) نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۹. کونل، ارنست (۱۳۶۸) هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
۳۰. گلابچی، محمود و عباسعلی شاهرودی (۱۳۸۹) مقدمه ای بر تکنولوژی و هویت، روزنامه اعتماد ملی؛ به نقل از پایگاه هنری تبیان؛ زمان دریافت فایل: www.tebyan-zn.ir/Art.html؛ به نشانی: ۱۳۹۳/۸/۲
۳۱. گلکار، کورش (۱۳۸۷) محیط بصری شهر، نشریه علوم محیطی، سال پنجم، شماره ۴.
۳۲. گلکار، کورش (۱۳۹۰) آفرینش مکان پایدار، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۳. گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷.
۳۴. گنون، رنه (۱۳۶۵) سیطره کمیت، ترجمه علی محمدکاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه

Lynne E.Riggs, Cambridge :Mit press.

50. Audi .R (1995), The Cambridge Dictionary of Philosophy, Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.796.

51. Borden.I& DDunster(1995) architecture and the sites of history: interpretation of building &cites. Oxford: Butterworth architecture.

52. Bremner,L (1994) "space &the nation: three texts on aldo rossi",society &space , No.12,pp: 300-287

53. Brolin, B.C (1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.

54. Geddes, p(1968)cites in Evolution: an introduction to the Town planning Movement and to the study of cities.london: Emesst Benn Limited .

55. Hiller, B&hanson(1984) the social Logic of space Cambridge : Cambridge university Press.

56. Hutchinson,D.C,(1995), Ethics, in Barnes (ed.) The Cambridge Companion to Aristotle , Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.206.

57. Madnipour,Ali(2007), Designing the City of Reason, London, Routledge Press.

58. Martin Heidegger, "Science and Reflection", The Question Concerning Technology and Other Essays 172.

59. Martin Heidegger, "The Question Concerning Technology," The Question Concerning Technology and Other Essays, Trans/ William Lovitt (New York: Harper & Row, 5 (1977).

60. Martin Heidegger, "What are Poets for?" Poetry, Language, Thought (New York: Harper & Row (1971 112.

61. Martin Heidegger, Discourse on Thinking, trans. M.Anderson and E.Hans Freud (New York: Harper & Row, 54 (1966.

62. Martin Heidegger, Nietzsche, Vol. 4 (New York: Harper & Row, 28 (1982.

63. Stokots ,D& I.Altman(1987) handbook of environmental psychology . New Yourk : John wiley & Sons.

64. Waterhouse , A (1978)Boundaries of the city: The Architecture of Western Urbanism. Toronto: University Press.

منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۳۶. عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟، روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱.

۳۷. محمودنژاد، ابراهیم (۱۳۸۰) مدیریت بر آینده با تکنولوژی فردا، انتشارات انستیتو ایز ایران.

۳۸. محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۹) نقد هایدگر از تفکر تکنیکی، روزنامه جهان امروز، شماره ۱۱۸۹.

۳۹. معماریان، غلام حسین (۱۳۷۱) معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی برونگرا، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

۴۰. مهدوی نژاد، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) هویت معماری، تبیین هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن، و فرامدرن، نشریه هویت شهر، شماره ۷.

۴۱. ناجی، سعید (۱۳۹۲) روح تکنولوژی مدرن و جایگاه تفکر در مدارس، نشریه تفکر و کودک، سال چهارم، شماره اول.

۴۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

۴۳. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.

۴۴. نولان، پاتریک و گرهارد لنسکی (۱۳۸۰) مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

۴۵. وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

۴۶. یگانه، منصور (۱۳۷۹) زمینه گرایی در معماری، نشریه راه و ساختمان، شماره ۱۳، تهران.

47. Albert Borgmann, Crossing the Postmodern Divide (Chicago: University of Chicago Press, (1992 88.

48. Aristotle(1998), The Nicomachean Ethics, Oxford: Oxford University Press, Book V1,4,1139b-31 1140a20,p.141.

49. Ashihara,Y(1983),The aesthetic Townscape. Trans.